

پیک یزدان

سخنران: دکتر نصرت‌الله محمد حسینی

تاریخ اجراء: ۶ سپتامبر ۲۰۰۲

سخنرانی چهل و یکم

موضوع: آثار حضرت بهاء‌الله- کلمات مکنونه نازله در بغداد ۲

رادیو پیام دوست: شنوندگان عزیز رادیو پیام دوست، در برنامه امروز آقای دکتر نصرت‌الله محمد حسینی استاد پیشین دانشگاه طهران و پژوهشگر بهائی، به معرفی محتوای کتاب کلمات مکنونه که از قلم حضرت بهاء‌الله شارح دیانت بهائی در بغداد نازل شده ادامه می‌دهند. این بحث بخشی از گفتار ایشان در باب تاریخ و تعالیم دیانت بهائی است که در پی‌گفتارهای گذشته در خصوص تاریخ آئین‌های آسمانی و وحدت اساس ادیان الهی مطرح گردیده است.

دکتر محمد حسینی: سپاسگزارم، شنوندگان عزیز و پر مهر و باوفای رادیو پیام دوست، پس از درود فراوان، همانطور که هفته پیش به عرض رسید کلمات مکنونه اثر قلم حضرت بهاء‌الله مجموعه گرانبهای است که دستور عمل زندگی برای همگی است. در این اثر مقدس جاودانه به ما تعلیم می‌فرمایند که خدا محبت است. آفرینش زاده عشق و محبت است و جوهر انسانیت محبت و عطوفت است. در کلمات مکنونه می‌فرمایند که علامت عشق صبر بر بلایا و مصائب است. آنچه آن حضرت در این صحیفه ربّانیّه فرموده‌اند خویشتن بدان عمل کرده‌اند و به حقیقت حضرتشان جوهر صبر و استقامت بوده‌اند. در پی بحث انصاف و عدالت که هفته پیش مطرح گردید حق در کلمات مکنونه می‌فرماید:

«ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نمائید که قسم یاد نموده‌ام از ظلم احدی

نگذرم...»

اگر ندای آسمانی حق در کلمات مکنونه همواره در گوش جان باشد جهان آسایش و امان یابد. می‌فرماید:

«ای برادران با یکدیگر مدارا نمائید و از دنیا دل بردارید. به عزت افتخار نممائید و از

ذلت ننگ مدارید. قسم به جمالم که کل را از تراب خلق نمودم و البتّه به خاک راجع

فرمایم»

در جایی از کلمات مکنونه می‌فرماید:

«ای پسران آمال جامه غرور را از تن برآرید و ثوب تکبر از بدن بیندازید»

ثوب تکبر به معنای لباس تکبر است. می‌فرماید:

«ای پسر خاک به راستی می‌گویم غافلترین عباد کسی است که در قول مجادله نماید و بر

برادر خود تفوق جوید. بگو ای برادران به اعمال خود را بیارائید نه به اقوال»

می‌فرماید:

«ای پسران ارض به راستی بدانید قلبی که در آن شائبه حسد باقی باشد البتّه به جبروت

باقی من در نیاید»

در بخش عربی می‌فرماید:

«لا تنسب الی نفس مالا تحبّه لنفسک...»

مفاد بیان این است که می‌فرماید آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگری میسند. اگر این

بیان را تحت اللفظ ترجمه نمائیم می‌فرماید نسبت مده به احدی آنچه را که دوست نداری به تو

نسبت دهند. در کلمات مکنونه می‌فرماید:

«ای مهاجران لسان مخصوص ذکر من است به غیبت میالائید و اگر نفس ناری غلبه نماید

به ذکر عیوب خود مشغول شوید نه به غیبت خلق من»

و نیز در خصوص نهی از غیبت در بخش عربی خطاب به آدمی چنین می‌فرماید:

«کیف نسیت عیوب نفسک و اشتغلت بعیوب عبادی. من کان علی ذلک فعلیه لعنة منی»

مفاد بیان این است که می‌فرماید ای آدمی چگونه عیوب خویشتن را فراموش کرده‌ای و به ذکر

عیوب بندگان الهی مشغول گشته‌ای. سپس می‌فرماید لعنت خداوند بر هر نفسی که چنین کند یعنی

به ذکر عیوب بندگان الهی پردازد. پس از این بیان در بخش عربی مجدّد می‌فرماید:

«یا ابن الانسان لاتنفس بخطاء احدٍ مادمت خاطئاً»

ای پسر انسان تو که خود خطا کاری به خطای احدی دم بر میاور. در یک جای از کلمات مکنونه

می‌فرماید:

«حرص را باید گذاشت و به قناعت قانع شد...»

در جای دیگر کتاب می‌فرماید:

«نیکوست حال آن غنی که غنا از ملکوت جاودانی منعش ننماید و از دولت ابدی

محروم نشود...»

در جای دیگری از آن کتاب می‌فرماید:

«ای اغنیای ارض فقراء امانت منند در میان شما پس امانت مرا درست حفظ نمائید و به راحت نفس خود تمام نپردازید».

و نیز در همان کتاب می‌فرماید:

«اغنیاء را از ناله سحرگاہی فقراء اخبار کنید»

در جای دیگر کتاب در بخش عربی می‌فرمایند:

«لافتخر علی المسکین...»

مفاد بیان این است که می‌فرماید به نیازمند فخر مفروش. در جای دیگر آن کتاب در بخش عربی می‌فرماید:

«یا ابن الانسان لاتحرم وجه عبدی اذا سألک فی شیئی لان وجهه وجهی فاخلج منی».

مفاد بیان این است که می‌فرماید ای پسر انسان هرگاه بنده‌ای از بندگان الهی از تو چیزی خواست او را محروم نما زیرا چهره او چهره من است. از من خجالت بکش. حضرت بهاء‌الله در آثار متعدده حضرتشان به بهائیان امر فرموده‌اند که جوهر کرم و سخاوت باشند. در لوحی می‌فرمایند:

«نفوسی که به این مظلوم منسوب‌اند باید در مواقع بخشش و عطاء ابر بارنده باشند و در اخذ نفس اماره شعله فروزنده»

با آنکه فقراء را امانت الهی در میان اغنیاء دانسته‌اند و می‌فرمایند که بهائیان در بخشش ابر بارنده باشند ولیکن تکدی یعنی گدائی را حرام فرموده‌اند. به عبارت دیگر هم گدائی را حرام فرموده‌اند و هم کمک به گدا را جائز ندانسته‌اند. توصیه می‌فرمایند که در جامعه به همگان این فرصت داده شود که به کار مشغول گردند و کار را نفس عبادت شمرده‌اند. اشتغال به کار در امر بهائی واجب است. در کلمات مکنونه بیاناتی می‌فرمایند که مفادش این است: پست‌ترین مردمان نفوسی هستند که در زندگی بی ثمرند. البته مردگان از آن نفوس برترند، و بهترین نفوس آنانند که به کار اشتغال دارند و خود و منسوبان خویش را اداره می‌نمایند. هنگام گفتگو از تعالیم اجتماعی دیانت بهائی و از جمله در مبحث تعدیل معیشت که اصول کلی اقتصادی بهائی مورد بررسی قرار می‌گیرد به وجوب اشتغال به کار و نتایج روانی، اجتماعی و اقتصادی آن به استناد آثار بهائی اشاره خواهیم نمود.

حق در کلمات مکنونه خطاب به آدمی می‌فرماید:

«شمع دلت بر افروخته دست قدرت من است آنرا به بادهای مخالف نفس و هوی خاموش
مکن و طبیب جمیع علت‌های تو ذکر من است فراموشش منما. حبّ مرا سرمایه خود کن
و چون بصر و جان عزیزش دار»

حقّ در این صحیفه آسمانی خطاب به برادران طریق می‌فرماید:

«چرا از ذکر نگار غافل گشته‌اید و از قرب حضرت یار دور مانده‌اید»

به آدمی خطاب نموده می‌فرماید:

«بد مشنو و بد مبین و خود را ذلیل مکن.... بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان
تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلت نفسی مپسند تا ذلت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب
طاهر و صدر مقدّس و خاطر منزّه در ایام عمر خود که اقلّ از آنی محسوب است فارغ
باش تا به فراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقرّ
یابی»

در این بیان مبارک دستور عمل زندگی آدمی، به اختصار آمده است. بدو فرموده‌اند که چگونه
باشد تا از این خاکدان فانی به فردوس معانی راجع شود. در اندیشه فلسفی بهائی مرگ پایان
زندگی نیست. مرگ برای نفوس نیکوکردار ورود به جهانی بس وسیع‌تر و زیباترست. این است
که در کلمات مکنونه عربی خطاب به انسان نیکو کردار می‌فرماید:

«جعلت لك الموت بشارةً كيف تحزن منه»

ای آدمی مرگ را برای تو مژده‌ای قرار داده‌ام چگونه است که از شنیدن نام آن محزون می‌شوی.
به هنگام بررسی تفصیلی تعالیم دیانت بهائی و از جمله جاودانگی حیات آدمی و بقاء روح انسانی
در این باب بیشتر گفتگو خواهیم داشت. به هر حال حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه عربی
خطاب به هر یک از ما می‌فرمایند:

«حاسب نفسك في كلّ يوم من قبل ان تحاسب لانّ الموت يأتيك بغتةً و تقوم على الحساب

في نفسك»

مفاد بیان این است که ای آدمی حساب نفس خویش را در هر روز داشته باش پیش از آنکه در
برابر میزان حساب الهی حاضر شوی و به حساب نفس تو رسیدگی شود زیرا مرگ ناگهان از راه
می‌رسد.

آنچه تا کنون از کلمات مکنونه نقل کرده‌ایم بخش‌های کوتاه و ساده‌ای از این صحیفه ربّانیّه بود.
دقائق و حقائق در این مجموعه مقدّس گرانبهای بیانات حضرت بهاءالله درج گشته است که برای

درک آنها باید تفکر و تعمق بسیار نمود. عنوان کلمات مکنونه بی جهت نیست. دقائق و حقائق مکنونه در این صحیفه ربّانیّه بسیار است. این کتاب باید بارها زیارت شود تا به شمه‌ای از آن دقائق و حقائق دست یافت. البتّه در آثار حضرت عبدالبهاء مبین کلمات حضرت بهاء‌الله برخی از این نکات مکنونه توضیح گشته است ولیکن متأسّفانه فرصت ما محدود است و مجال نقل و بررسی آن نکات و تبیینات حضرت عبدالبهاء نیست. کلمات مکنونه وسیله حضرت شوقی ربّانی ولیّ امر بهائی و نوّه دختری حضرت عبدالبهاء به انگلیسی ترجمه شده است. این اثر همچنین به ده‌ها زبان دیگر نیز ترجمه گردیده است. همانگونه که قبلاً گفتیم کلمات مکنونه اندکی پس از زمان نزول در سال ۱۸۵۸ میلادی مورد توجه بسیار قرار گرفت و به حافظه‌ها سپرده شد. ده‌ها تن از اندیشمندان بزرگ جهان از محتوای آن تجلیل کرده‌اند. پروفیسور برتل ایران‌شناس شهیر و فقید روس که به‌هیچ یک از ادیان موجود جهان اعتقاد نداشت و چند سفر به ایران نمود نوشته‌است که کلمات مکنونه حضرت بهاء‌الله همیشه در روی میز تحریر دفتر کار او بوده‌است. به عقیده او جوهر انسانیت در این رساله توضیح گشته‌است.

جوهر تمامت این کتاب مقدّس در بیان معروف دوست حقیقی، حضرت بهاء‌الله، مندرج است:

«ای دوست در روضه قلب جز گل عشق مکار»

شنوندگان عزیز پیام دوست، در کلام مقدّس اوست در کلمات مبارکه مکنونه:

«بشنوید بیان دوست را و به رضوانش اقبال نمائید. دوستان ظاهر نظر به مصلحت خود یکدیگر را دوست داشته و دارند ولکن دوست معنوی شما را لاجل شما دوست داشته و دارد. بلکه مخصوص هدایت شما بلایای لاتحصی قبول فرموده. به‌چنین دوست جفاء مکنید و به کویش بشتابید».

سپاسگزارم ش